

درس دهم: فصل شکوفایی

برزخ*: حدّ فاصل میان دو چیز، زمان بین مرگ تا رفتن به بهشت یا دوزخ، فاصله بین دنیا و آخرت
(دوزخ: جهنم)

تار: تاریک، سیاه (معانی دیگری هم دارد)

(آن‌ها در آن برزخ سرد، در کوفه‌های غم و درد / غیر از شب آیا چه می‌دید پشمان تار من و تو؟)

غربت: دوری از خانمان، غریبی [قُربت: نزدیکی]

داغ: ماتم، سوگ، عزا

آیینه‌دار: کسی که آینه را در پیش عروس یا هر کس دیگر نگه دارد تا خود را در آن ببیند، انعکاس‌دهنده

(دیروز در غربت باغ من بودم و یک پمن داغ / امروز فورشید در دشت، آیینه‌دار من و تو)

غبار: گرد، خاک نرم

جویبار: جوی بزرگی که از جوی‌های کوچک تشکیل شده باشد.

(غرق غباریم و غربت، با من بیا سمت باران / صد پیویار است اینجا، در انتظار من و تو)

جان سپردن: کنایه از مردن

بی‌تاب: بی‌قرار، بی‌طاقت (با این نسیم سرفیز، برفیز اگر جان سپردیم)

غمین: غمگین، اندوهگین

(ای منتظر، مرغ غمین در آشیانه‌ا / من گل به دست می‌دهم، من آب و دانه)

درس دهم: تیرانا

تیرانا: عنوان کتاب مهرداد اوستا، شاعر و نویسنده معاصر است. «تیرانا» در این کتاب مخاطبی آشنا و فرضی است که نویسنده، سرگذشت دل مجروح خویش را با او باز می گوید.

بارور: میوه دار، ثمردهنده

داعیه: * ادعا [خواست، خواهش]

کرامت: بزرگواری، سخاوت، جوانمردی، بخشندگی

سراپا: سرتاپا، همه

گشاده دستی: * بخشندگی، سخاوت [جوانمردی، کرم]

چشمداشت: * انتظار و توقع امری از چیزی یا کسی

چشم داشتن: * منتظر دریافت پاداش یا مزد بودن

سپاسگزاری: به جای آوردن سپاس، شکرگزاری، تشکر کردن

(تیرانا! من از طبیعت آموختم که همانند بارور - بی آنکه زبان به کمتر داعیه ای گشاده باشم - سراسر کرامت باشم و سراپا گشاده دستی؛ بی هیچ گونه چشم داشتی به سپاسگزاری یا آفرین.)

بوستان: باغ

پالیز: بوستان، گلزار، باغ

(تیرانا! گشاده دستی و کرامت را از درختان میوه دار بیاموز و از بوستان و پالیز که به هر بهار سراپا شکوفه باشی و پای تا سر، گل)

پای فرسودگان: پای آزدگان، خستگان و ناتوانان

(پای فرسودگان آفتاب زده را نوازشگری در مان بفش در دها باش.)

زخمه: * ضربه، ضربه زدن (پاداش هر زخمه سنگی را دست های کریم تو میوه ای پند شیرین ایثار کند)

مایه: اندازه و مقدار (مایه: یکی از سه حالت ماده)

میراث: مالی که از مرده به کسی رسد. (تو آن مایه کرامت را از مادر به میراث داری)

سعادت: نیک بختی، اقبال

رهنمون: راهنما، هدایتگر (همینم از آفریدگار، سپاسگزاری بس که بدین سعادت رهنمونم بُود)

گروه‌های مهم املائی

چشمان تار / غربت باغ / غرق غباریم و غربت / مرغ غمین / داعیه و ادعا /
سپاسگزاری و آفرین / بوستان و پالیز / پای فرسودگان آفتاب‌زده / زخمه و ضربه /
آن مایه کرامت /

تاریخ ادبیات

*دری به خانه خورشید: سلمان هراتی

*تیرانا: محمدرضا رحمانی (مهرداد اوستا)